



صادرات گاز ارزش سیاسی دارد

گفتگو با مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران

نیلوفر مجبعلی گفتگو پرونده این ماه، انرژی و امنیت ملی گفتگو

ایران به عنوان کشوری برخوردار از منابع انرژی فسیلی از جایگاه ویژه‌ای در جهان و به خصوص منطقه خاورمیانه برخوردار است. وجود منطقه گازی پارس جنوبی در ایران که خود بزرگترین میدان گازی جهان به شمار می رود، اگرچه با کشور قطر مشترک است، اما نگاه‌های بسیاری از مصرف کنندگان انرژی را متوجه ایران کرده است. شاید اگر ایران از چنین منابع سرشار انرژی برخوردار نبود، طرحی با نام «تحول اقتصادی» شرایط بروز و ظهور پیدا نمی کرد که اصلی ترین دلیل تصویب و اجرای آن، هدفمند کردن یارانه‌هایی باشد برای مصرف فرآورده‌های همان منابع سرشار انرژی.

شرایط اقتصاد ملی ایران در حالی قریب یک قرن وابستگی به منابع درآمدی حاصل از حراج منابع انرژی فسیلی را در پیشینه خود دارد که به رغم آگاهی از تبعات منفی اقتصاد نفتی، عملاً حتی گاهی هر قدر ناچیز برای قطع این وابستگی برداشته نشده است. در این میان جلب خریداران منابع انرژی ایران مقوله‌ای است که به رغم رویکرد ظاهراً اقتصادی، ساختار «امنیت ملی» کشور را نیز تحت الشعاع قرار می دهد.

فروش نفت سابقه‌ای طولانی در ایران دارد، اما آنچه شاید امروز بیش از نفت در ساختار امنیت ملی اثرگذار است، چگونگی فروش منابع گازی ایران است که هر چند کارشناسان اعتقاد به این موضوع ندارند و آن را به دلیل تراز منفی گاز، به ویژه در فصلهای سرد سال، فاقد توجیه اقتصادی ارزیابی می کنند، اما به برنامه‌ای جدی و درازمدت در دستور کار مدیران بخش انرژی کشور بدل شده است.

در اولین شماره ماهنامه «تازه‌های انرژی» در گفتگویی با محمد کسایی‌زاده، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، به بررسی نقش گاز در «امنیت ملی» با رویکردهای مختلف پرداخته‌ایم:

مشکل فرهنگی مصرف در کشور جستجو کرد. بنابراین باید تلاش شود تا به فرهنگ بهینه مصرف در کشور برسیم.

اگر روند موجود مصرف در کشور دنبال شود به عقیده

من در زمانی اندک صادرات گاز ممکن نخواهد بود، زیرا تمام

تولید گاز کشور صرف مصرف داخلی می شود، به‌ویژه آنکه

اکنون دو برابر نیاز در کشور گاز مصرف می‌شود. به همین

دلیل شدت انرژی در ایران بسیار بالاست و با هیچ کشور

دیگری قابل مقایسه نیست. ایران به لحاظ شدت انرژی

چندین برابر کشورهای اروپایی انرژی مصرف می کند. باید

تلاش کنیم شدت انرژی را در کشور کاهش دهیم تا بتوانیم

آن را مدیریت کنیم. تردیدی نیست که تضمین امنیت انرژی

در ایران بستگی کامل به مدیریت تقاضا دارد، و اطمینان

کافی از این موضوع، صادرات گاز را نیز دربر خواهد داشت.

دولت طرح تحول اقتصادی را در ابعاد مختلفی مطرح

کرده است. رویکرد صنعت گاز در رابطه با این طرح چگونه

است؟

از نظر ما، طرح تحول اقتصادی یک چشم مثبت

استفاده قرار می‌گیرد و گاز در این بخش به سوخت غالب بدل

شده است. در بخش CNG نیز به تدریج گاز جایگزین بنزین

خواهد شد. در حال حاضر روزانه ۴ تا ۵ میلیون متر مکعب گاز

در بخش CNG در حال مصرف است.

توسعه گاز در ۳ سال اخیر در دولت آقای احمدی‌نژاد

بسیار چشمگیر بوده و قابل مقایسه با هیچ سه سالی در تاریخ

گاز ایران نیست، به‌گونه‌ای که در این سه سال شرکت ملی

گاز ایران علاوه بر احداث پالایشگاه‌های جدید، حدود ۸ هزار

کیلومتر خطوط ملی را احداث کرده و اکنون مجموع خطوط

انتقال کشور به حدود ۲۹ هزار کیلومتر رسیده و حدود ۱۴۰

شهر، ۳ هزار روستا و ۱۰ هزار صنعت از گاز برخوردار شده

است. ضمن آنکه زیرساخت‌های لازم برای توسعه بیشتر و

صادرات و واردات گاز فراهم شده است.

اگرچه جمیع این جهات به عنوان مزیت نسبی در صنعت

گاز به شمار می‌رود، اما نقیصه‌ای که اکنون در کشور وجود

دارد، فقدان موازنه میان تولید و مصرف، به‌خصوص در فصل

سرد سال است. البته علت این امر را نباید در چیزی جز

نقش گاز و کارکرد آن را در امنیت ملی چگونه ارزیابی

می‌کنید؟ در مقایسه با گاز پروم روسیه، چگونه می‌توان نقش

گاز را در امنیت ملی ایران مورد توجه قرار داد؟

خوشبختانه در سالهای اخیر رشد صنعت گاز در کشور

در زمینه تولید، فرآوری و حتی در زمینه انتقال در داخل

کشور بسیار چشمگیر بوده است. به‌گونه‌ای که امروز گاز

به محور توسعه بدل شده و ۶۱ درصد سید انرژی فسیلی

را به خود اختصاص داده است. در حال حاضر فعالیت گاز

در بخش خانگی، صنایع، نیروگاهی، صنایع پتروشیمی و

CNG چشمگیر است، تا جایی که خوشبختانه در حدود

۷۶ درصد جمعیت کشور از گاز طبیعی برخوردارند. بیش

از ۱۹ هزار صنعت کوچک و بزرگ از گاز طبیعی به‌عنوان

سوخت و خوراک استفاده می‌کنند. اکنون گرایشی که صنایع

پتروشیمی به استفاده از گاز به عنوان سوخت و خوراک پیدا

کرده، موجب افزایش سودآوری این صنعت نسبت به زمانی

که از فرآورده‌های پالایشگاه‌های نفت استفاده می‌کردند شده

است. در بخش نیروگاهی حدود ۳۰ درصد از گاز کشور مورد

اقتصادی ارزیابی می‌شود. طبیعتاً گاز نیز به عنوان یکی از حامل‌های انرژی، نقش اساسی در این طرح خواهد داشت. اما هنوز قیمت گاز در این طرح نهایی نشده است و نمی‌دانیم با قیمت گاز چه برخوردی خواهیم داشت. آیا می‌خواهیم قیمت گاز را واقعی کنیم یا آن را به صورت نیمه یارانه‌ای عرضه کنیم. نمی‌دانیم قیمت آن را پلکانی حفظ کنیم یا قیمت را با یک شیب مناسب برای خانوارهای کم‌درآمد و با شیب تندتری برای خانوارهای پردرآمد و پرمصرف در نظر بگیریم. اینها مواردی است که باید در این طرح لحاظ شود.

در شرایط فعلی حدود ۴۰ میلیارد دلار یارانه گاز پرداخت می‌شود. یعنی اگر برپایه گاز صادراتی، یارانه گاز را حساب کنیم به عدد ۴۰ میلیارد دلار می‌رسیم. دولت در این زمینه می‌تواند با کمک بیشتر به دهکهای پایین جامعه، قیمت عادلانه‌ای را برای گاز در نظر بگیرد و در دهکهای بالا قیمت گاز را منطقی کند تا از مابه‌التفاوت آن به پرداخت یارانه بپردازد. در عین حال، این سیاست می‌تواند مصرف گاز را تعدیل کند. ما فکر می‌کنیم چنانچه قیمت گاز منطقی شود تأثیر بسیاری در مصرف آن خواهد داشت. در حالی که اعتقادمان این نیست که تنها قیمت، عاملی تعیین‌کننده است، اما آن را برای کاهش مصرف بسیار موثر می‌دانیم. در کشورهای همسایه ما به دلیل قیمت بالای گاز، مصرف کاملاً کنترل شده است، تا جایی که گفته می‌شود در ترکیه به خاطر گاز گران، از ساعت ۱۲ شب به بعد وسایل گرمازا خاموش است و مردم عادت به خوابیدن با لباس گرم دارند.

متأسفانه در ایران به دلیل ارزان بودن انرژی ترغیبی

استانهای کردستان و آذربایجان شرقی و غربی، صادرات گاز به ترکیه را نیز دربی خواهد داشت و ما می‌توانیم به تعهدات خود در مورد ترکیه نیز عمل کنیم.

همزمان، برنامه دراز مدتی نیز در دستور کار داریم و آن احداث خط جدیدی با عنوان خط نهم است که از عسلویه آغاز و تا مرز بازرگان ادامه خواهد داشت. خطی با قطر ۵۶ اینچ و هزار و ۸۰۰ کیلومتر طول که می‌تواند حدود ۳۵ میلیارد مترمکعب گاز را در سال انتقال دهد. هزینه سرمایه‌گذاری این خط بالاست، اما آن را آغاز کرده‌ایم که پیمانکار داخلی مسئولیت احداث آن را برعهده دارد و یک مناقصه BOO با حضور دو شرکت داخلی و خارجی برگزار شد و در حال مذاکره هستیم که در صورت توافق، این خط در اختیار آن شرکت قرار خواهد گرفت تا آن را احداث و از آن بهره‌برداری کند و ما فقط هزینه خدمات انتقال را پرداخت خواهیم کرد.

پیشگام‌ترین و طولانی‌ترین قرارداد گازی ایران، خط لوله صلح است که حتی گفته می‌شود قربانیان زیادی هم در تشکیلات وزارت نفت داشته است. سرنوشت خط لوله صلح چه خواهد بود؟

این سؤال دو بخش دارد و بخشی از آن مربوط به داخل کشور است که از مسئولیتهای شرکت ملی گاز است، اما بخشی که مربوط به خارج کشور می‌شود در حوزه مسئولیت شرکت ملی نفت است. صادرات گاز زیر نظر شرکت ملی نفت اداره می‌شود و مستقیماً وزارتخانه روی آن نظر دارد.

در بخش داخلی پروژه‌های را آغاز کرده‌ایم که از عسلویه تا ایرانشهر با حضور پیمانکار داخلی در حال انجام است. ما با دو



هدف این پروژه را آغاز کردیم. انتقال ۵۰ میلیون متر مکعب گاز برای مصرف داخلی و ۶۰ میلیون متر مکعب گاز برای صادرات. برای تأمین هدف صادرات در ابعاد طرح، تغییری حاصل نمی‌شود و تنها تعداد ایستگاه‌های تقویت فشار آن افزایش می‌یابد. در حال حاضر دو ایستگاه تقویت فشار در این خط برای تأمین گاز داخل دیده شده و در صورت آغاز صادرات تعداد ایستگاه‌ها افزایش خواهد یافت.

امیدواریم سال آینده این خط برای تأمین گاز داخل به بهره‌برداری برسد. پروژه بسیار خوبی است که در همین دولت در سال ۸۵ آغاز شد و فکر می‌کنیم در ابتدای سال ۸۸ به بهره‌برداری برسد که در این صورت، آخرین استان کشور یعنی سیستان و بلوچستان نیز از نعمت گاز برخوردار خواهد شد.

با توجه به اینکه آقای منوچهر، مدیر پروژه حفاری فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی اعلام کرده‌اند که تا زمستان امسال تنها ۳۵ درصد از فاز ۹ و ۱۰ به بهره‌برداری خواهد

اگر روند موجود مصرف در کشور دنبال شود به عقیده من در زمانی اندک صادرات گاز ممکن نخواهد بود، زیرا تمام تولید گاز کشور صرف مصرف داخلی می‌شود، به ویژه آنکه اکنون دو برابر نیاز در کشور گاز مصرف می‌شود.

در بخش داخلی پروژه ای را آغاز کرده‌ایم که از عسلویه تا ایرانشهر با حضور پیمانکار داخلی در حال انجام است. ما با دو هدف این پروژه را آغاز کردیم. انتقال ۵۰ میلیون متر مکعب گاز برای مصرف داخلی و ۶۰ میلیون متر مکعب گاز برای صادرات.

رسید، همچنین به دلیل مشکلات ناشی از تحریم و کمبود تجهیزات بهره‌برداری کامل میسر نیست، آیا باز هم خط لوله عسلویه - ایرانشهر سال آینده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؟

بخشی که آقای منوچهر عنوان کرده‌اند، نظر کارشناسی ایشان درباره فازهای ۹ و ۱۰ بود. آنچه وزارتخانه دنبال می‌کند، بر این مناسبت است که فاز ۹ و ۱۰ امسال راه‌اندازی خواهد شد. این مقوله شامل دو بخش می‌شود یکی راه‌اندازی پالایشگاه ۹ و ۱۰ و دیگری تولید گاز از طریق دریا.

در عسلویه امکاناتی فراهم است که نیازی نیست این دو پالایشگاه حتماً از گاز تخصیص داده شده به آن از طریق دریا استفاده کند و می‌تواند از گاز فازهای ۶، ۷ یا ۸ هم بهره‌برداری کند. بنابراین تمهیداتی به کار گرفته شده است که به هر طریق ممکن فاز ۹ و ۱۰ راه‌اندازی شود و شرکت ملی گاز هم روی این موضوع حساب باز کرده است و به همین دلیل، آن را در آمار تولیدمان برای زمستان منظور کرده‌ایم. ضمن آنکه ۲۵ میلیون متر مکعب گاز هم شرکت ملی نفت مرکزی از سایر حوزه‌های گازی در کشور تأمین می‌کند و در مجموع ما امیدواریم که عدد ۲۵ میلیون متر مکعب افزایش تولید را تا پایان سال محقق کنیم. با این میزان افزایش تولید، برای بهره‌برداری از خط هفتم در آینده نگرانی نخواهیم داشت.

در رابطه با واگذاری شرکتهای زیر مجموعه شرکت ملی گاز با توجه به اصل ۴۴ چه برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته است؟

در مورد واگذاری شرکتها دو دیدگاه وجود دارد؛ یکی اینکه ۴۴ شرکت فرعی گاز را یک به یک واگذار کنیم و دیگر اینکه به جای واگذاری آن به شرکتها فرعی، خود شرکت ملی گاز را که شرکت مادر تخصصی است و شرکتها فرعی نیز زیر نظر آن اداره می‌شود واگذار کنیم. تاکنون ۵ تا از شرکتها مصوبه دولت برای واگذاری دارد و اقدامات لازم صورت گرفته و منتظر نوبت سازمان خصوصی‌سازی برای ارائه به بورس هستیم. اما شرکت ملی گاز علاقه‌مند به واگذاری به شیوه دوم است و ترجیح می‌دهیم که کل شرکت را واگذار کنیم. در این شیوه شرکت ملی گاز که یک شرکت بزرگ سودآور است واگذار می‌شود و خرید سهام آن نیز با استقبال بیشتری مواجه خواهد شد و با زمانی که ما شرکتها کوچک خود را واگذار کنیم، تفاوت بسیاری دارد. زیرا برخی از آنها نه تنها سودآور نیستند که زیان‌ده هم محسوب می‌شوند.

دیگر اینکه زنجیره ارزش گاز در این شیوه حفظ خواهد شد و انگیزه‌های را ایجاد می‌کند که حتی شرکتها خارجی هم برای خرید سهام شرکت مادر ابراز تمایل کنند که در این